

« درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه »

1. آیا فلسفه از نظر زمانی و مکانی آغاز مشخصی دارد؟ چرا؟
خیر، زیرا هر جا که تمدنی شکل گرفته کسانی هم بوده اند که درباره اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر می اندیشیده و سخن می گفته اند گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده باشد و برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در اثر گذر زمان و حوادث از بین رفته اند.
2. نخستین تمدن ها و سرزمین های باستانی که فلسفه و حکمت در آن ها رواج داشته را نام ببرید.
ایران باستان، تمدن چین، هند، بین النهرین و مصر
3. کدام سرزمین مهد تفکر فلسفی است و چرا؟ یونان باستان زیرا نخستین مجموعه ها و قطعه هایی که به زیان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آن ها غلبه داشته از یونان به یادگار مانده است و در آنجا دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان به روش عقلانی رایج شد.
4. در آغاز شکل گیری فلسفه کدام مساله بیش از هر چیزی ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت؟ دگرگونی ها و تغییر و تحولاتی که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد، آن ها کوشش می کردند که این دگرگونی ها را به درستی تبیین عقلانی کنند.
5. چهار تن از نخستین فیلسوفان یونان باستان را ذکر کنید
تالس / فیثاغورس / هراکلیتوس / پارمنیدس
6. تالس چه چیزی را عنصر اولیه و پایه و اساس اشیاء می دانست؟ چرا؟
آب، او می گفت همه چیز در نهایت از آب ساخته شده است زیرا آب در درجات بالا بخار و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می شود و وقتی به صورت باران می آید گیاهان از زمین می رویند و همه این ها شکل های دیگری از آب اند.
7. فیثاغورس چگونه توانست یک دستگاه فلسفی عمیق را پایه گذاری کند
او که پایه گذار ریاضی و هندسه بود ریاضیات را به گونه ای خاص با عرفان و فلسفه در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.
8. فیثاغورس و پیروانش چه چیزی را عنصر اصلی و اولیه موجودات و اشیاء می دانند؟
از نظر آنان اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد همان عناصر اولیه همه موجودات هستند.
9. دلایل شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به خاطر کدام نظریات و اندیشه های اوست؟
نظریه وحدت اضداد / نظریه تغییر و تحول دائمی جهان.
10. نظریه وحدت اضداد هراکلیتوس را با مثال توضیح دهید.
او عقیده داشت اموری که با هم ضد هستند می توانند با یکدیگر جمع شوند، مثلا دامنه کوه هم سریالایی دارد

و هم سرپایینی یا شب و روز و خیر و شر، وجود و ترکیب این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.

11. عقیده ی هراکلیتوس درباره تغییر و تحول دائمی جهان را توضیح دهید.

همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد، دگرگونی قانون زندگی و کائنات است و بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.

12. عبارت « در یک رودخانه نمی توان دو بار شنا کرد » از کیست و مربوط به کدام نظریه اوست؟

هراکلیتوس / تغییر و تحول دائمی جهان

13. دیدگاه پارمنیدس درباره هستی را بیان کنید. او بر خلاف هراکلیتوس معتقد بود هستی یک امر واحد و ثابت است و حرکت و شدن ندارد او می گفت در جهان واقع نیستی راه ندارد و ما با یک واقعیت بدون تغییر، جاودان و فنا ناپذیر رو برو هستیم.

14. از نظر پارمنیدس چگونه می توان حقیقت را دریافت؟

تنها با تفکر عقلی می توان به درک حقیقت هستی رسید زیرا عقل لایه باطنی و حقیقی هستی که بدون تغییر و جاودانه است را به انسان نشان می دهد.

15. با توجه به دیدگاه پارمنیدس چرا از طریق حواس (ادراک حسی) نمی توان به واقعیت رسید؟

زیرا حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده ی امور مختلف و متغیر است.

16. آراء و نظریات گوناگون و متضاد دانشمندان در یونان باستان چه نتیجه ای در پی داشت؟

نوعی تشویش و نگرانی بر مردم غالب شد و نسبت به دانش و اندیشه بی اعتمادی به وجود آمد.

17. چرا سوفیست ها نظریات اندیشمندان و جهان شناسان باستان را بیهوده می دانستند؟

به این دلیل که سخنان آن ها با یکدیگر متضاد است و آنان نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند.

18. دو مورد از آثار به جا مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته را نام ببرید. اوپانیشادها (شامل متون متعدد هندو) و گاتاها (شامل سروده های زرتشت).

نکات مهم درس

1. دانش فلسفه از نظر زمانی و مکانی آغاز مشخصی ندارد.

2. سهروردی معتقد است در ایران باستان در دوره کیانیان انسان های وارسته ای بوده اند که به حکمت و فلسفه می اندیشیدند.

3. در یونان باستان برای نخستین بار تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.

4. زادگاه فلسفه یونانی ایونیا (ترکیه کنونی) بود.
5. تالس نخستین اندیشمند یونانی است که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است. البته هیچ نوشته ای از او باقی نمانده است.
6. تالس در سال 580 قبل از میلاد پیش بینی کرد سال 585 خورشید گرفتگی رخ می دهد و در همان زمان دقیقا رخ داد.
7. گفته می شود برای اولین بار فیثاغورس لفظ فلسفه را به کار برد.
8. فیثاغورس واژه **تئوری** را برای نظریه و واژه **کیهان** را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.
9. پارمنیدس عقاید فلسفی خود را به صورت شعر عرضه می کرد.
10. پارمنیدس برای نخستین بار به مفهوم **بودن** و **شدن** (وجود و حرکت) توجه دقیق کرد و تفاوتشان را بیان نمود.
11. از نظر پارمنیدس از طریق **حواس** نمی توان به حقیقت رسید و تنها با **تفکر عقلی** امکان پذیر است.
12. آشفته گی فکری اندیشمندان و جهان شناسان در یونان باستان موجب ظهور **سوفیست ها** شد.
13. سوفیست ها منادی **بی اعتباری علم** و اندیشه شدند و به جای آموزش علوم به فن **سخنوری** روی آوردند و در نهایت اصل حقیقت و واقعیت را انکار نمودند.
14. اوبانیساده ها شامل **متون هند** و گاتاها شامل سروده های زرتشت بود.

پایان درس چهارم

« درس پنجم: زندگی بر اساس اندیشه »

1. جامعه آتن در زمان سقراط متاثر از اندیشه های چه کسانی بود و آنان چه عقایدی داشتند؟
سوفسطائیان، آنان معتقد بودند جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ندارد.
2. اندیشه های سوفسطائیان چه تاثیری بر جامعه آتن گذاشته بود؟ اخلاق و فضیلت و حق طلبی در میان مردم کم رنگ شد و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.
3. سوفسطائیان با چه روش هایی عقاید خود را نشر می دادند؟
به کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری
4. منظور از روش **سقراطی چیست**؟ سقراط روش بحث ثابتی داشت، روش گفت و گو و پرسش و پاسخی که سقراط به کار می گرفت به روش سقراطی معروف است.

5. سقراط چه مسائلی را با مردم در میان می گذاشت؟ مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع
6. هدف سقراط از قیام علیه سوفسطائیان چه بود؟ برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت.
7. چرا سقراط به چهره ای بسیار بحث بر انگیز در آتن تبدیل شد؟ زیرا او به مردم می آموخت که هر چیزی را مورد سوال قرار دهند و جهالت و نادانی افراد قدرتمند و سفسطه گر را به رُخشان می کشید.
8. سقراط معتقد بود خداوند چه رسالتی را و از چه طریقی بر عهده ی او نهاده است؟
بیدارساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک مردم. از طریق ندهای غیبی و رؤیایها.
9. سقراط از گشت و گذار در شهر چه مقصودی داشت؟ او می خواست جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازد که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهند و به آنان یادآوری کند که ثروت، فضیلت نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه برای فرد و جامعه مفید است کسب می شود.
10. اتهام و جرم اصلی که در دادگاه به سقراط نسبت دادند چه بود؟
سقراط خدایانی که همه به آن ها اعتقاد دارند انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید، با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و از دین و آیین پدرانشان بر می گرداند.
11. نماینده ی متهم کنندگان سقراط چه کسی بود و از دادگاه برای او چه درخواستی داشت؟
ملتوس، او از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ داشت.
12. از دیدگاه سقراط افتراپی که از دیرباز به وی نسبت می دادند چه بود؟ آنان می گفتند: سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار زمین و آسمان دست یابد، باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.
13. از نظر سقراط دلیل اینکه گروه بزرگی از مردم او را دانا می دانستند چه بود؟
سقراط می گفت من دانا نیستم فقط تلاش می کنم نادانی کسانی که ادعای دانشمند بودن دارند را آشکار کنم به همین سبب مردم گمان می کنند آنچه آنان نمی دانند من می دانم در حالی که دانای حقیقی فقط خداست.
14. سروش معبد دلفی چه پیامی را به کرفون دوست سقراط الهام کرد؟ داناترین مردم سقراط است.
15. از نظر سقراط راز سروش معبد دلفی چه بود؟ این بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم و داناترین آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.
16. سقراط در دادگاه چگونه اعتقاد به خدا را اثبات نمود؟ او گفت آیا ممکن است کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خدا را منکر شود؟ یعنی وجود خدا را از روی صفات و آثار او اثبات کرد.
17. سقراط معتقد بود در چه صورت باید برای او دادگاه تشکیل شود و بگویند به خدا اعتقاد ندارد؟
او می گفت: خداوند مرا مامور کرده تا در جست و جوی دانش باشم و آن را به دیگران بیاموزم. اگر از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سرپیچی کنم و این گناه از من سر بزند سزاوار دادگاهی شدن هستم.

زیرا ارتکاب این گناه دلیل بر سرپیچی از امر خداست و در حقیقت مدعی دانشی شده ام که فاقد آن هستم.

18. از نظر سقراط گریز از چه چیزی دشوار است؟ چرا؟

او معتقد بود گریز از مرگ دشوار نیست بلکه گریز از بدی دشوار است زیرا بدی تندتر از مرگ می دود.

19. سقراط چه دیدگاه و عقیده ای درباره زندگی پس از مرگ داشت؟ او عقیده داشت که مرگ باعث نیستی انسان نمی شود بلکه انتقال به جهانی دیگر است و در آن جهان همه درگذشتگان گرد آمده اند و انسان با داوران دادگر در آن جهان روبرو می شود و می تواند با نیکان و بلند مرتبگان همنشین شود.

20. سرانجام دادگاه سقراط چه شد؟ او با نوشیدن جام شوکران اعدام شد.

نکات مهم درس:

1. سقراط هیچ کتابی ننوشت.
2. سقراط چهره ی برجسته تاریخ فلسفه است. او پرچم علم و فضیلت را برافراخت.
3. افلاطون شاگرد برجسته سقراط بود که زندگی او و مبارزاتش با سوفیست ها را به تصویر کشید.
4. از نظر سقراط ثروت فضیلت نمی آورد بلکه از فضیلت ثروت و چیزهای ارزشمند به دست می آید.
5. سقراط اعتقاد داشت خداوند با ندهای غیبی و در رویاها به او رسالت می دهد.
6. اصلی ترین مخالفان سقراط ، سوفسطائیان یا سوفیست ها بودند.
7. دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی است که همه اصول زندگی وی را در بر می گیرد.
8. از نظر سقراط دانای حقیقی فقط خداست.
9. به نظر سقراط گریز از مرگ دشوار نیست و گریز از بدی دشوار است چون بدی تندتر از مرگ می دود.
10. سقراط از طریق صفات و آثار خداوند وجود او را اثبات کرد.

پایان درس پنجم

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

« درس ششم: امکان شناخت »

1. شناخت حسی را تعریف کرده و مثال بزنید. شناختی که ما با حواس پنجگانه نسبت به اشیاء و موجودات پیرامون خود پیدا می کنیم شناخت حسی نام دارد برای مثال می دانیم آب چیست و تفاوت درخت را با ماشین می دانیم و یا صدای خروس را از صدای گوسفند تشخیص می دهیم.
2. شناخت فرا حسی چیست ؟ مثال بزنید. اندیشه و تفکر در باره ی مسائلی که فراتر از پیرامون و حواس ما هستند مثلا اندیشه در باره ی جهانی دیگر یا گذشته و آینده ، روح ، خدا و ..
3. ویژگی های شناخت را بنویسید و توضیح دهید.
 - الف) تدریجی بودن: شناخت ما به تدریج افزایش می یابد. ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم یعنی با آموختن و یادگیری در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم.
 - ب) محدود بودن: علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود باز هم شناخت ما بسیار محدود است یعنی ما آگاه هستیم در کنار دانسته ها و آموخته ها ، حقایق فراوان دیگری در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم.
 - ج) خطا پذیری: گاهی متوجه می شویم که بعضی از دانسته های ما درست نبوده و دچار خطا شده ایم یا می بینم که افراد مختلف در باره ی یک موضوع واحد نظرات و باورهای متفاوتی دارند.
4. معرفت شناسی به چه مباحث و موضوعاتی در فلسفه می پردازد؟ معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که به پدیده ی شناخت می پردازد و می کوشد به پرسشهایی در باره ابعاد گوناگون شناخت ، ابزارها و راه های معرفت ، امکان شناخت ، انواع شناخت و حدود و قلمرو آن پاسخ دهد.
5. تعدادی از فیلسوفان دوره اسلامی که در مورد مبحث شناخت نظر داده اند را نام ببرید.

ابن سینا، شیخ اشراق ، ملاصدرا و علامه طباطبایی
6. سه نفر از فیلسوفان دوره جدید اروپا را نام ببرید. دکارت، کانت و هیوم
7. شناخت یا معرفت چیست ؟ مثال بزنید. معرفت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است برای مثال وقتی کسی می گوید توپ آنجاست به این معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است.
8. آیا ما می توانیم اشیاء و موجودات جهان را بشناسیم و به آن ها علم پیدا کنیم؟ توضیح دهید

بله امکان شناخت و معرفت امری بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و دلیل ندارد همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم یا لیوان آبی بر می داریم و می نوشیم یا از عمل کسی خوشحال و یا عصبانی می شویم گویای آن است که ما به امکان شناخت خود پی برده ایم.
9. کدام گروه امکان شناخت برای انسان را انکار کردند ؟ چرا؟

سوفیست ها ، آنان به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و محاکم قضایی هر باطلی را حق

جلوه می دادند و به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق واقع باشد برسد.

10. عقیده ی گرگیاس درباره امکان شناخت را بیان کنید.

اولا چیزی وجود ندارد ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست
ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

11. شکاکیت مطلق به چه معناست؟ یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها.

12. آیا شکاکیت مطلق امکان پذیر است؟ چرا؟ خیر زیرا اگر کسی چنین نظری بدهد خودش گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

13. دانش بشر به چند صورت در حال پیشرفت و توسعه است؟ مثال بزنید

(الف) از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید (مانند کشف سیارات و ستارگان جدید)

(ب) پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن ها (منجمان قدیم فکر می کردند خورشید به دور زمین می چرخد و زمین مرکز جهان است اما منجمان جدید فهمیدند که زمین به دور خورشید در حال گردش است.)

نکات مهم درس

1. ما از طریق شناخت ، با اشیاء و پدیده های پیرامون خود ارتباط برقرار می کنیم.
2. انسان با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رود.
3. افلاطون و ارسطو در یونان باستان در مورد مبحث شناخت نظر داده اند.
4. گرگیاس یکی از سوفیست های بود که امکان شناخت را رد می کرد.
5. هم معنا و چیستی شناخت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است.
6. توجه ویژه کانت به مبحث شناخت باعث رشد بیشتر معرفت شناسی در اروپا شد.
7. شک کردن در توانایی خود برای شناخت برخی اشیاء ممکن است اما شک در امکان اصل شناخت و دانستن امکان پذیر نیست.
8. امروزه به علت طرح پرسشهای جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون معرفت شناسی به بخش مستقلی درآمده است که به آن نظریه معرفت می گویند.
9. معنا و مفهوم معرفت و شناخت روشن است و نیازی به تعریف ندارد، اگر ابهامی باشد از جهت کلمه و لغت است نه از جهت معنا و مفهوم.
10. اگر کسی معتقد به شکاکیت مطلق باشد گرفتار تناقض می شود.